

الزامات تمدن نوین اسلامی

الزامات تمدن نوین اسلامی

رضا رستمی زاده [1]

چکیده:

مهمترین دغدغه خاطر پیروان دلسوز دین اسلام در هر زمان، دفاع از باورهای دینی و حمایت از اصول و فروع دین اسلام در زبان و عمل است. هر اندازه این پیروان با هم فکری و با تکیه به قرآن و منابع اصیل اسلامی هم فکر و هم پیمان شوند، حرمت دین اسلام در عین سرافرازی حفظ می‌گردد و در صورت ثبات و دوام مستمر آن، نقاط ضعف گذشتگان اصلاح می‌گردد و به شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی می‌انجامد [2].

از این الزامات می‌توان اصل عدل و دادگری، احسان و نیکوکاری و تقدم مصالح معنوی بر منافع مادی را نام برد. این اصول در جامعه‌ای که افرادش یکدل و یک زبان برای رسیدن به امنیت اقتصادی، عاطفی و معنوی می‌کوشند معنا و مفهوم متعالی پیدا می‌کند.

با نگاهی گذرا به آموزه های دینی می توان دریافت که اسلام تاکید بسیار بر ترویج ارزش های فرازیستی دارد و به این وسیله به بسترسازی در جهت ایجاد روحیه اجتماعی سالم پرداخته است و جلوه های کمال آن تمدن اسلامی نام می گیرد و امروزه نیاز به احیاء دارد که می توان از آن به تمدن نوین اسلامی یاد کرد.

در تمدن نوین اسلامی نگرش شخصی و رفتاری آدمی همه حکایت از احساس مسئولیت وی در برابر اوضاع اجتماعی می کند. در چنین فضایی هر یک از مسلمانان درصدد برمی آیند ضمن شناخت اوضاع اجتماعی و با روحیه تاثیر گذاشتن بر عوامل گوناگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی- که وضع موجود را پدید آورده اند- به بهسازی اوضاع بپردازند و سرافرازی و سربلندی مسلمانان و اسلام را در همه جهان به ظهور رسانند. در این راستا مواردی همچون سودرسانی به دیگران، نیکوکاری، ایثار و فداکاری، حمایت از مستضعفان و یتیمان و بسیاری از این دست ویژگی ها عامل پیوند افراد جامعه با یکدیگر می شود که می توان از آنها به عنوان الزامات تمدن نوین اسلامی نیز یاد کرد و اصالت این موضوعات در آن است که توسط خدا و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بیان شده است. [3]

بنابراین اساس تمدن نوین اسلامی ایجاد پیوند مستحکم و سالم و مستمر با تکیه با این الزامات میان افراد است و ارزش عینی این خصائص آن است که بدین وسیله نیازهای مادی و معنوی همه افراد در جامعه بهتر تامین می گردد و از این طریق وحدت و الفت میان آحاد جامعه برقرار می گردد. با این رویکرد این مقاله در دو بخش تنظیم گردیده است، در بخش اول به ویژگی های تمدن نوین اسلامی اشاره می گردد و در بخش دوم به نشانه های جامعه سالم در تمدن نوین اسلامی می پردازد.

جان کلام آنکه تمدن نوین اسلامی در پی آن است که انسان ها براساس تامین مصالح مادی و معنوی خویش با هم متحد گردند و جامعه واحد و امت واحد را در اوج امنیت تشکیل دهند.

احیای تمدن اسلامی در گرو زندگی اجتماعی سالم و رفتار مناسب افراد با یکدیگر است و برای آن باید

اصول و ویژگی‌هایی در نظر گرفت تا تمدن نوین اسلامی در مسیر صحیح شکل گیرد. در اینجا به مهمترین این اصول اشاره می‌شود:

1-2- توجه به اصل عدل و دادگری

زمانی که زندگی اجتماعی در راستای تامین نیازهای مادی و معنوی تمام افراد باشد، همگان به منافع مادی و مصالح معنوی خود می‌رسند البته به شرطی که رفتار همه افراد در جامعه در جهت تحقق این امر باشد. از این رو رفتار اجتماعی هر یک از افراد در صورتی درست و ارزشمند است که به تحقق مصالح کلی جامعه منجر شود؛ و اگر برای آنکه فرد یا افرادی به منافع خود برسند عده‌ای دیگر از مزایای زندگی سالم محروم گردند مسلماً در چنین وضعی طبقه محروم هیچ انگیزه‌ای برای مشارکت ندارند. چون آشکارا می‌بینند زحمات آنان نتیجه‌ای برای خودشان ندارد؛ لذا نخستین اصل که باید به عنوان ملاک مناسب در زندگی اجتماعی و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی مدنظر قرار گیرد اصل عدل است. خداوند در قرآن مجید در چندین مورد فرمان به عدل می‌دهد: «إِذْ دَلُّوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» «عدالت کنید که آن به پرهیزگاری نزدیکتر است» (مائده/ 8) ، «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ» «همانا خدای به داد فرمان می‌دهد». (نحل/ 90)

در معنای ساده‌ای که از عدل قرار دادن هر چیز در جای خودش آمده است. (حق پرست، 1386ش، ص 161) عقل چنین حکم می‌کند که تمدن نوین اسلامی هر فرد به اندازه‌ای که در زندگی اجتماعی و تحصیل منافع برای جامعه اثرگذار است از نتایج فردی اجتماعی آن بهره‌مند شود.

البته باید توجه داشت که چون آدمی خود به تنهایی قادر به تامین همه منافع خویش نیست، بنا براین نسبت به کاری که برای جامعه انجام می‌دهد جا دارد از روی عدل معادل همان کار خود را از جامعه دریافت کند ولی این امر در جامعه امروزی چندان رعایت نمی‌گردد و شاید هم امکان پذیر نباشد. در تمدن نوین اسلامی هرچند که باید برنامه ریزی و دقت برای تحقق این امر صورت گیرد اما تحقق آن کار بسیار سنگین و بعید می‌نماید، چراکه دستاوردهای زندگی اجتماعی حاصل جمع عددی فعالیت‌های افراد نیست و به واقع منفعی که نصیب جامعه می‌شود به شکل تصاعدی افزایش می‌یابد از این رو روا نیست که هر فرد تنها به اندازه نیرویی که مصرف می‌کند از مزایای اجتماعی بهره‌مند شود بلکه باید مجموع منافع به نسبت فعالیت‌های اعضای جامعه میان آنان تقسیم گردد و این همان مفهوم بیت‌المال است که در آغاز شکل‌گیری جامعه اسلامی مطرح شد و از نظر اسلام اصل عدالت اجتماعی هم که از الزامات اصلی تمدن اسلامی به حساب می‌آید، با بیت‌المال گره خورده است که در جای خود اندیشمندان به آن پرداخته

اند (ناطقى، 1381ش، ص128) و در این مجال از پرداختن به آن صرف نظر می شود.

2-2- توجه به اصل احسان

احسان به نفع و مصلحتی گفته می شود که به کسی که در ظاهر مستحق آن نیست عطا می شود و در صورت ترک آن حتی از او ضایع نمی گردد بلکه تنها نفعی از او سلب می گردد. اما از آنجا که در هر جامعه به طور طبیعی افرادی یافت می شوند که دارای شرایط استثنایی بوده و بنا به مشکلات جسمی و روحی تنها با کار خود قادر به تامین نیازهای زندگی خویش نیستند (مصباح یزدی، 1376ش، ج3، ص33) اینجاست که اصل احسان کاربرد پیدا می کند. احسان نشانه همکاری اجتماعی پاک و سالم برای رفع مشکلات اینگونه افراد است. طبیعی است که برخی از افراد جامعه به واسطه جسم سالم و توانا و ضریب هوشی بالا به بهره مندی بیشتری از امکانات و منابع طبیعی و خدادادی دست پیدا می کنند و برخی افراد هم به واسطه ناتوانی و معلولیت مادرزادی و یا آسیب دیده از حوادث طبیعی بهره کمتری خواهند داشت و اگر بنا باشد تمدن تنها براساس توجه به اصل عدل معنا پیدا کند و اگر این امر تعیین کننده روابط اجتماعی باشد نتیجه این خواهد بود که ناتوانان و معلولان و آسیب دیدگان از تامین نیازمندی های مادی و معنوی خود محروم بمانند و این مناسب با روح تمدن اسلامی و ایجاد همبستگی و وحدت میان آحاد جامعه اسلامی نیست لذا اصل عدل هرچند اصل مهمی است اما به تنهایی نمی تواند معیار ارزش گذاری در شکل گیری تمدن نوین اسلامی باشد. به همین خاطر اصل احسان برای جبران کمبود و نیازهای افرادی است که قادر به کار آن چنانی نیست و افراد توانمند به ایشان رسیدگی می کنند و اینجاست که خداوند متعال می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْتُمُّرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» «همانا خدای به داد و نیکوکاری فرمان می دهد».

(نحل / 90)

براساس مرام قرآن برای شکل گیری تمدن نوین اسلامی، توجه به التزام عدل و احسان با هم مدنظر است و نکته مهم این است توجه به اصل احسان به تنهایی نیز در تمدن نوین اسلامی حافظ ارزش های دین اسلام نخواهد بود زیرا «اگر براساس زندگی اجتماعی تنها بر احسان باشد انگیزه فعالیت و مشارکت در زندگی اجتماعی برای رسیدن به تمدن پایدار و پاک و سالم تضعیف می گردد و گاه باعث می شود که برخی زندگی را فقط با تن آسائی و راحت طلبی بگذرانند و از دستاوردهای فعالیت های دیگران بهره ببرند و این باعث به هم ریختگی نظام اجتماعی و تزلزل تمدن اسلامی می شود». (نور محمدی، 1390ش، ص44)

امام خمینی (ره) در این باره می گوید: کسانی که توانایی کار کردن دارند و به خاطر تنبلی و کم کاری دچار فقر شده اند نمی توانند زکات بگیرند و نباید به آنان زکات داده شود. (امام خمینی،

البته ناگفته نماند که احسان به خودی خود و فی نفسه مطلوب است و آثار مفیدی را در پی دارد از جمله:

الف: ترویج و رشد مهر و محبت میان احسان کنندگان و دریافت کنندگان. امام سجاد (علیه السلام) در رساله حقوق خویش می فرماید: حق احسان کننده این است که در مقابل احسانی که کرده از او تشکر نمایی و احسانش را به زبان آوری و او را به نیکی یاد کنی و خالصانه در حق او دعا کنی تا در نهان و عیان از او قدردانی کرده باشی و بر خود چنین قرار دهی که هر وقت توانایی پیدا کردی احسان او را جبران کنی. (مدوق، 1414ق، ج 13، ص 622، ح 3217؛ شعیری، 1414ق، ج 3، ص 714)

همانطور که مشاهده می شود امام سجاد (علیه السلام) از احسان به نیکی یاد می کند اما در عین حال بر این مساله تاکید دارد که دریافت کننده احسان در نیت و عمل در جهت جبران احسان برآید.

ب: احسان کننده به واسطه احسانی که می کند از انواع خطرها و بلاهای طبیعی، شیطانی و تنگ نظری های ویران کننده در امان می ماند و خدا او را حمایت می کند و حتی بنا به وعده های الهی سرمایه اش در دنیا و آخرت چند برابر می گردد.

«مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَوْ زَيْتَةٍ سَبَّعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ. الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبِعُونَ مَا أَنْزَلْنَا مَذْمُومًا وَلَا أُذَى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» «مثل آنان که مالشان را در راه خدا انفاق می کنند چون دانه های است که هفت خوشه رویانیده که در هر خوشه صد دانه است و خدا برای هر که بخواهد دو برابر می کند که خدا وسعت بخش و دانا است. کسانی که اموال خویش را در راه خدا انفاق می کنند و سپس آنچه را که انفاق کرده اند به منت و آزار دنبال نمی کنند پاداش آنها پیش پروردگارشان است و آنان نه بیمی دارند و نه غمگین می شوند». (بقره/ 261 و 262)

3-2- توجه به اصل تقدم مصالح معنوی بر منافع مادی

آنگاه که تامین نیازهای مادی با رعایت مصالح معنوی در تعارض قرار می‌گیرد اساس تمدن اسلامی با تکیه بر فطرت و پاکی بر طبق حق آن است که مصالح معنوی بر منافع مادی مقدم گردد زیرا در نگاه دین اسلام هدف وسیله را توجیه نمی‌کند. پس اگر در جامعه‌ای همه نیروهای مردم صرف پیشرفت مادی شود به طوری که از توجه به حفظ و رشد معنویات غافل شوند، آن زندگی اجتماعی سالم که قابل قبول فطرت باشد حاصل نمی‌شود. پس از الزامات تمدن نوین اسلامی این است که منافع مادی باید در مسیر رشد معنویات انسانی باشد و در زندگی اجتماعی روابط افراد بر اساس این ملاک تنظیم گردد. فرق جامعه و تمدن اسلامی با غیر آن در همین است که غیر مسلمانان و کافران دست به هر اقدامی می‌زنند تا مومنان و مسلمانان را تحت تسلط خود قرار دهند و در این راه هیچ مرزی برای خود و دیگران قائل نیستند در قرآن آیات فراوانی مومنان و مسلمانان را از دوستی با کافران بر حذر می‌دارد [4] و در روایات و احادیث بسیاری نیز آمده است که با مفسدان اخلاقی معاشرت نکنید چراکه همنشینی با آنان بر مصالح معنوی آدمی اثر منفی می‌گذارد تا آن حد که زیان غیر قابل جبران را موجب می‌شود. [5]

در مجموع باید گفت با توجه به این سه اصل، ارتباط افراد جامعه با یکدیگر و پیوند زندگی آنان به یکسان و در یک سطح قرار نمی‌گیرد بلکه وضع حال مردم و به تبع آن شکل‌گیری تمدن فراز و نشیب پیدا می‌کند و شدت و ضعف‌ها و تفاوت‌هایی در اقشار مختلف جامعه پیدا می‌شود و باعث می‌گردد که حقوق و تکالیف اجتماعی تازه و نوعی تقسیم وظیفه میان افراد پیدا شود و این امر باید به گونه‌ای اداره شود که شالوده تمدن اسلامی حفظ گردد. در تمدن نوین اسلامی تکلیف فرد در برابر یکایک افراد جامعه کاملاً یکسان نیست بلکه به تناسب ارتباط -همچون دوستی، همنوعی و خویشاوندی- تفاوت می‌یابد. همچنین حقوقی که افراد نسبت به یکدیگر دارند تحت تاثیر این عوامل دارای درجات مختلف و کیفیت‌های گوناگون خواهد بود.

پس در واقع باید پذیرفت که به کارگیری اصول و معیارهای سه‌گانه در شکل‌گیری تمدن اسلامی براساس تفاوت در ارتباط اجتماعی افراد فراز و نشیب پیدا می‌کند و از این رو در روابط افراد با یکدیگر اولویت بندی صورت می‌گیرد و ترتیب اهمیت در آنها لحاظ می‌شود و موید این امر کلام خداست آنجا که می‌فرماید: «وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِكُلِّفٍ مِنْ بَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ» «و در کتاب خدا خویشاوندان، بعضی‌شان بر بعضی دیگر اولویت دارند». (انفال/ 75)

از همین روست که در اسلام حقوق افراد در بخش‌های مختلف همانند خویشان، همسایگان، همنوعان و ... مطرح شده است.

با توجه به مزایای تمدن اسلامی و اینکه مسیر سعادت آدمی از پیروی دین اسلام می گذرد انتظار می رود که جامعه سالم و مطلوب هم تنها در سایه تمدن نوین اسلامی نمایان گردد، پس بررسی ویژگی های جامعه صالح از الزامات تمدن نوین اسلامی به حساب می آید. چه بسیار جوامعی که به ظاهر زندگی اجتماعی در آنها جریان دارد ولی افراد تنها در کنار هم نفس می کشند بی آنکه بتوانند بستر ساز رشد انسانیت و عواطف و معنویت باشند و تنها زندگی زیستی را تجربه می کنند (موسوی لاری، 1385ش، ص86) اما آنگاه که نظام اجتماعی منطبق با اصول نظام آفرینش و تعالیم اسلامی و الهی باشد روابط انسانی سالم براساس معیارهای صحیح و الهی استوار می گردد و این چنین تمدن نوین اسلامی معنا پیدا می کند. با نگاهی اجمالی به آموزه های قرآنی و دینی می توان نشانه های جامعه سالم را در موارد زیر خلاصه کرد:

3-1- تضمین امنیت جانی

نخستین و مهمترین اصلی که افراد جامعه در برابر آن مسئولند و همه باید برای آن بکوشند حفظ جان یکدیگر است و اسلام نیز بر این موضوع تاکید کرده است و تعرض به جان افراد و آسیب رسانی به یکدیگر و قتل را گناه کبیره و نابخشودنی برمی شمرد و کشتن یک نفر را برابر با قتل تمام مردم می داند: «مَنْ أَجَلَ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَيْهِ بِذِي إِسْرَائِيلَ أَنْزَّاهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَوْحَاها فَكَأَنَّمَا أَوْحَا النَّاسَ جَمِيعًا» «مقرر داشتیم که هر کس شخصی را به جز قصاص قتل یا به کیفر فساد در زمین بکشد پس گویا همه مردم را کشته است و هر کس شخصی را زنده بدارد پس گویا همه مردم را زنده داشته است». (مائده/32)

پس تحقق «حفظ حیات انسانی» از الزامات تمدن نوین اسلامی است و اسلام برای این امر راهکارهای مناسبی ارائه می دهد از جمله:

الف: وضع قوانین مناسب مانند قصاص و دیه برای جلوگیری از هرج و مرج و قتل و کشتار. (بقره/ 179)

ب: ضرورت دفاع از جان یکدیگر. (ر.ک. احمدی، 1383ش، ص78)

ج: لزوم پرهیز از فراهم سازی زمینه آسیب به جان یکدیگر مانند کلام آسیب زا، گواهی نادرست و کتمان

گواهی: «وَلَا تُلَاقُوا بِأَيِّدِكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» «خود را به دست خویش به هلاکت میفکنید». (بقره/195)

د: ضرورت نجات جان یکدیگر به هنگام خطر: «وَلَا يُؤْتِرُونَ عَٰلَمًا أَنْ نَفْسُهُمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» «و آنان را بر خویشتن برمد گزینند هر چند که خود بدان نیازمند باشند». (حشر/9)

ه: جلوگیری از پایمال شدن حق و حقوق و خون دیگران: «أَنْ تَصْرَبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْرَبُوا عَٰلَمًا مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» «مبادا نادانسته به مردمی آسیب رسانید، و آنگاه بر آنچه کردید پشیمان گردید». (حجرات/6)

یکی از سوره هایی که در مجموع به موارد شفاف تر از دیگر آیات اشاره کرده سوره حجرات است که طی 18 آیه نزدیک 50 حکم اخلاقی و اجتماعی را برای دفع آسیب های اجتماعی و تضمین امنیت جانی و شکل گیری جامعه سالم ارائه داده است. (با بازاده، 1381ش، ص 90)

3-2- تضمین امنیت اقتصادی

منظور از امنیت اقتصادی آن است که افراد جامعه از رفاه نسبی برخوردار بوده و سرمایه هایشان مورد دستبرد اشخاص حقیقی و حقوقی قرار نگیرد پس باید حدود آزادی و فعالیت اقتصادی افراد در جامعه سالم روشن گردد تا از هرگونه زیان مالی به آنان جلوگیری شود و چون روابط اجتماعی به طور طبیعی به تضاد منافع افراد در جامعه می انجامد بنابراین هرگونه اضطراب و نگرانی از جهت عدم تامین امنیت مالی و اقتصادی زیرساخت های جامعه سالم را به خطر می اندازد.

دین اسلام دارای نظام جامع اقتصادی است و معیارهایی در این نظام تعیین گشته است که کلیه فعالیت های اقتصادی باید در چارچوب آن معیارها انجام پذیرد و از این طریق منافع تمام انسان ها تامین شده و از ظلم و نابرابری ها جلوگیری می شود مثلا برای ایجاد رفاه نسبی معیارهای زیر مدنظر اسلام است:

الف: ایجاد روحیه مشارکت عمومی در تامین زندگی نیازمندان و لزوم توجه به نیاز دیگران. حضرت علی (علیه السلام) در وصیت خود می فرماید: «خدا را خدا را در مورد افراد فقیر و تهیدست به یاد داشته باشید و آنان را در زندگی خود شریک سازید». (کلینی، 1365ش، ج 7، ص 5، ح 7)

ب: کمک مالی به نزدیکان نیازمند و تشویق آنان. قرآن کریم مسلمانان مورد عتاب قرار می دهد که چرا نسبت به نیازمندان گام بر نمی دارید و بر اطعام مساکین یکدیگر را تشویق نمی کنید: «كَذَّٰلِكَ لَا تُكَرِّمُونَ الْيَتِيمَ وَلَا تَحَاضُّونَ عَلٰى طَعَامِ الْيَتَامٰى» «نه چنان است- نه آن کرامت است و نه این اهانت-، بلکه یتیم را گرامی نمیدارید- او را از ارثش محروم مکنید و مالش را مبخورید- و یکدیگر را بر طعام دادن بینوا برنمیدانگیزید». (فجر/ 17 و 18)

ج: بکارگیری روش های مناسب برای تامین نیازمندان. (سید رضی، 1386ش، حکمت 319)

د: اجرایی شدن حکم های اقتصادی اسلامی همچون خمس، زکات، زکات فطریه، کفارات، صدقه، حق مظلوم و قرض الحسنه. درباره تحقق این احکام در کتب فقهی با تکیه بر سخن معصومان (علیهم السلام) به طور مفصل به آن پرداخته شده است. [6]

ه: واگذاری ثروت های اضافی شخص به دیگران در قالب هبه، نذر، وقف و تحت پوشش قرار دادن طبقات پایین جامعه و تامین زندگی آنان از بیت المال. حضرت علی (علیه السلام) در نامه 53 به مالک اشتر سفارش می کند: «خدا را خدا را در مورد طبقه پایین، آنان که راه چاره ای ندارند، یعنی تهیدستان و نیازمندان و مستمندان و از کار افتادگان، آنان را در نظر داشته باش. در این طبقه هم افرادی هستند که روحیه طلب و درخواست دارند و هم افرادی هستند که طلبی نمی کنند و باید بدون آنکه درخواستی کنند به آنان عنایت و بخشش شود. لذا بر اساس آنچه خدا به تو فرمان داده عمل نما و از بیت المال و غلات زمین های اسلامی در هر محل به آنان عطا کن. (سید رضی، 1386ش، نامه 53)

این موارد پنجگانه نباید به گونه ای تحقق یابد که از رونق اقتصادی در جامعه اسلامی کاسته شود به همین دلیل در اسلام برای رونق اقتصادی تدابیر ارزشمندی در نظر گرفته است و برای شکل گیری تمدن نوین اسلامی و تجلی جامعه سالم شایسته است که به این موارد توجه کامل شود:

الف: تشویق افراد به اشتغال و پرهیز از بیکاری، پیامبر خدا (صلي الله عليه و آله) فرمود: «از رحمت خدا به دور است آن کس که بار زندگی خودش را بر دوش دیگران می گذارد. (کلینی، 1365ش، ج 4، ص 12، ح 9)

ب: به رسمیت شناختن حق مالکیت خصوصی افراد در عین ضرورت عدم تعرض به اموال دیگران و پرهیز از خیانت در اموال. البته اسلام برای مالکیت افراد شرایطی را در نظر گرفته است مثلا دستیابی به سرمایه

باید از راه های صحیح و حلال صورت گیرد نه از راه باطل. در قرآن کریم آمده است: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمُ بَيِّنَاتٍ مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيكُمْ ذَٰلِكَ بَاطِلٌ» «و اموال یکدیگر را از راه باطل نخورید» (بقره/ 188) و یا اینکه هر نوع فعالیت اقتصادی نباید سبب ضرر دیگران شود «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام».

آری در جامعه سالم دینی هر انسانی حق دارد کار و کسب مشروع داشته باشد و از حق مالکیت خصوصی برخوردار باشد در عین اینکه فعالیت های اقتصادی افراد نباید موجب از بین رفتن حق دیگران یا ترویج و استقرار امر باطلی گردد. پیامبر گرامی اسلام می فرماید: «مال مسلمان همچون خون او محترم است». (حرعاملی، 1409ق، ج12، ص 280، ح 16308) و آن حضرت (صلي الله عليه و آله) در جای دیگری می فرماید: «خیانت به مال دیگران فقر را به دنبال می آورد». (کلینی، 1365ش، ج5، ص 133، ح 7)

در دین اسلام مال به دست آمده از خیانت در اموال، حکم مالی را دارد که از طریق دزدی به دست آمده است و معامله و خرید و فروش آن جایز نیست و فردی که از روی ظلم به مال و یا حق دیگری مسلط شود به او غاصب می گویند.

ج: ممنوعیت از زراندوزی و افزون خواهی و اسراف و تبذیر؛ در قرآن علاوه بر اینکه افزون خواهی در اموال نکوهیده شده است [7] به عواقب دردناک اخروی فزون خواهی و زراندوزی نیز هشدار داده شده است [8] و به همین خاطر در توصیف نمازگزاران واقعی و مومنان صالح می فرماید: «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» «در مالهاشان برای خواهنده نیازمند و تنگ‌روزی بدبهره حقی بود». (ذاریات/ 19)

و در سوره ای دیگر آمده است: «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مِّمَّا كَسَبُوا مِنَ الْأَمْوَالِ لِيَسْئَلُوا فِيهَا» «و آنان که در مالهاشان حقی است معلوم- مانند زکات و صدقات- برای نیازمند خواهنده و بینوای درمانده». (معارج/ 24 و 25)

حضرت علی (علیه السلام) در وصیت خود می فرماید: «خدا را خدا را در مورد افراد فقیر و تهیدست به یاد داشته باشید و آنان را در زندگی خودتان شریک سازید». (کلینی، 1365ش، ج7، ص5، ح7)

با دوری از فزون خواهی و زراندوزی جلوی اسراف یعنی زیاده روی در مصرف به گونه ای که خارج از متعارف باشد، گرفته می شود و از تبذیر و ریخت و پاش و بیهوده و نابجا مصرف کردن دارایی جلوگیری

می شود. [9]

د: تحریم ربا، قمار، رشوه و احتکار و ممنوعیت از شیوه های کاذب و درآمذرا. آنچه در دین اسلام بر آن بسیار تاکید شده همین پرهیز از حرام خواری، تقلب و کلاهبرداری است. کم فروشی و خوردن مال یتیم از یک طرف و تبعیض از بهره برداری از منابع طبیعی و عمومی از طرف دیگر موجب خسارت های عظیم و حتی غیرقابل جبران می گردد. به همین دلیل در جامعه سالم باید مجازات های حقوقی قاطع برای متجاوزان به اموال دیگران در عین جبران خسارات افراد آسیب رسان در نظر گرفته شود و نظارت صحیح و سالم در داد و ستدها وجود داشته باشد و منابع طبیعی به نفع عموم مردم در اختیار دادگران قرار گیرد.

3-3- تضمین امنیت عاطفی

روابط عاطفی در پیوستگی اعضای جامعه نقش بسزایی دارد؛ در اسلام رفتارهایی مانند سخن چینی، اختلاف افکنی که روابط عاطفی را تیره و تار می کند از مفاصل اجتماعی است چراکه بذر اختلاف را در میان آحاد جامعه می پاشد و افراد را بر ضد یکدیگر برمی انگیزد به همین خاطر در جامعه سالم هر رفتاری که موجب محبت و دوستی میان افراد گردد و زمینه رشد و بالندگی روابط عاطفی را فراهم سازد در اسلام تشویق شده است.

پیامبر اسلام (صلي الله عليه و آله) در این باره می فرماید: بنده ای که خداوند متعال رحم و مهربانی نسبت به مردم را در دل او قرار نداده ناکام و زیانکار است. (پاینده، بی تا، ج 1434)

امام علی (علیه السلام) نیز می فرماید: مومن کسی است که هم با دیگران انس می گیرد و هم دیگران به او گرایش و الفت دارند آن کس چنین نباشد خیری در او نیست. (کلینی، 1365ش، ج 2، ص 102، ح 17)

تحقق اهداف در اسلام و شکل گیری تمدن نوین اسلامی در گرو جامعه ای سالم و باصفاست. جامعه ای که روابط اعضای آن با هم دوستانه و صمیمی است و انس و الفت آنان باعث نزدیکی و سرعت بخشی و تحقق بهتر اهداف زندگی اجتماعی می شود.

رسول خدا (صلي الله عليه و آله) می فرماید: مهربانی و محبت ورزی به مردم نیمی از خردورزی است. (کلینی، 1365ش، ج 2، ص 634)

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: نسبت به مردم محبت بورز تا آنان نیز نسبت به تو محبت بورزند و هرگاه یکی از برادرانت را دوست داری آن را به وی اعلام کن و هرگاه هرگاه فردی را دوست داری آن را

به اطلاع وی برسان زیرا این کار دوستی و محبت میان شما دو نفر را پایدارتر می‌سازد. (کلینی، 1365ش، ج2، ص 642 ، ح1)

امام حسن مجتبی (علیه السلام) در سخنی زیبا و محبت آمیز می‌فرماید: فرد نزدیک به شما کسی است که محبت و دوستی اش، او را به شما نزدیک نموده است اگرچه از نظر نسبت خانوادگی با شما فاصله داشته باشد. فرد دور از شما کسی است که بی محبتی او را از شما دور ساخته اگرچه از نظر نسبت خانوادگی به شما نزدیک باشد. (کلینی، 1365ش، ج2 ، ص643)

3-4- تضمین امنیت معنوی

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ، وَتَكُونَ الرِّسُولُ عَلَايَكُمْ شَهِيدًا» «و بدین گونه ما شما را امتی میانه (و معتدل) قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز بر شما گواه باشد». (بقره/ 143)

امت اسلامی، امتی معتدل در تمام زمینه هاست. مهمترین وجه تعادل این امت عقیده صحیح و حفظ و رشد ارزش های مادی و معنوی با هم است که نه کاملاً مانند اکثر ملت ها در جهان مادی فرو می‌روند که دیگر هیچ خبری از معنویات در میان آنان نیست و نه آنگونه که صوفیانه در عالم به ظاهر معنوی غرق شوند که گویی از جهان مادی بی‌خبرند.

تمدن نوین اسلامی در پرتو جامعه سالمی شکل می‌گیرد که تعادل در دو ساحت مادی و معنوی انسان را فراهم کند. ساحت معنوی در جامعه مطلوب اسلامی براساس آیات قرآن کریم با ایمان و عمل به دست می‌آید و حیات طیبه نام می‌گیرد: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّاهُ حَيَاةً طَيِّبَةً» «هر کس از مرد و زن که کاری نیک و شایسته کند در حالی که مؤمن باشد هر آینه او را به زندگانی پاک و خوشی زنده بداریم». (نحل/ 97)

اسلام برای رسیدن به چنین حیات پاک و معنوی و پیدایش جامعه سالم، تدابیر ارزشی متنوعی را تدارک دیده است. نخستین تدبیر حفظ آبرو، احترام و اعتبار و شخصیت اجتماعی افراد است و این امر هم برای خود آدمی ضروری است و نسبت به دیگران واجب می‌شود هیچ فردی حق ندارد حیثیت و آبروی خود را در معرض اتهام قرار دهد. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: هر کس خود را در معرض اتهام قرار دهد

نباید کسی را که به او بدگمان می‌شود، سرزنش نماید. (سید رضی، 1386ش، حکمت 159)

واضح است که دیگران نیز حق ندارند به حیات معنوی کسی دست اندازی کنند بلکه باید به آن احترام گذارند و اگر فردی به درست یا نادرست خود را برتر از دیگران بدانند بی آنکه منوجه نقش حیاتی سایر گروه‌های جامعه باشد دچار غرور کاذب شده و باعث خدشه دار شدن شخصیت و حیات معنوی دیگران می‌شود به همین خاطر اسلام «حق پوشاندن عیوب» را به عنوان امری که عامل حفظ آبروی دیگران می‌شود امری ضروری می‌داند.

جان کلام آنکه مسیر سیاست گذاری و برنامه ریزی برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی در تمام بخش‌های جامعه باید در جهت تحقق تعادل در همه ابعاد باشد.

4- نتیجه‌گیری

سیر تکاملی روابط افراد در زندگی اجتماعی و ساختار تمدن‌های گوناگون به تدریج از یک حالت ابتدایی و ساده به سوی پیچیده تر شدن آثار مثبت و منفی زیادی را به بار آورده است که در این میان می‌توان گفت آثار مخرب آن بیشتر بوده است. در عصر حاضر بشر در عرصه ابزار و فناوری‌ها پیشرفت چشمگیری داشته است اما در این فرایند انسان‌ها با خودشان بیگانه شده‌اند. اگر روند زندگی بشر بدین گونه پیش‌رود بسیاری از معیارهای اصیل جامعه انسانی به طور کامل به فراموشی سپرده می‌شود و این امر برای آینده بشریت بسیار خطرناک است و همان‌گونه که مشاهده می‌شود پیشرفت فن‌آوری هیچ‌ارمغان مفید اجتماعی به همراه نداشته است و نه تنها در این پیشرفت‌ها سرافرازی اجتماعی و معنوی انسان‌ها حاصل نشده است بلکه آسایش و آرامش بشری با خطر جدی روبرو شده است و جا دارد که بازگشتی به معنویات و تعادل در امور زندگی جهت شکل‌گیری تمدنی نوین آن هم براساس باورهای الهی صورت گیرد.

حال در بازنگری در وضع موجود جهت رسیدن به تمدن نوین اسلامی می‌تواند موارد زیر مدنظر قرار گیرد:

الف: در مساله رابطه انسان با هستی و طبیعت باید توانایی انسان در بهره‌وری از منابع طبیعی و نعمت‌های الهی ضابطه مند و مقبول عقل و دین قرار گیرد.

ب: در مساله رابطه انسان با جامعه در جهت ساختار و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، حرکت باید مطابق با اهداف متعالی دین اسلام باشد و همه مسلمانان سرافرازانه در به وجود آوردن تمدن نوین اسلامی آنگونه

که مطلوب خداوندي هماهنگ شوند و از آن دفاع کنند.

ج: در مورد رابطه آدمي با خود و ساير انسان ها بايد گفت که تجديد نظر جدي در کيفيت ارتباطات اجتماعي ضروري و الزامي است و شکل گيري تمدن نوين اسلامي در گرو اجرايي شدن اصولي همچون عدل، احسان، امنيت در همه ابعاد و در بهترين شکل آنهاست.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمين

منابع:

1- قرآن کریم. ترجمه: مجتبیوی، سید جلال‌الدین. تهران: حکمت. 1371 ش.

2- ابن فتال نیشابوری، محمد بن حسن بن علی بن احمد بن علی. روضة الواعظین. قم: رضی. بی تا.

3- احمدی، مجید و محمد عماره. امنیت اجتماعی در اسلام. تهران: ایلاف. 1383 ش.

4- بابازاده، علی اکبر. شیوه های درمانی مفاصل اجتماعی. قم: دانش و ادب. 1381 ش.

5- بخاری، ابوعبداً محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بردزیه. صحیح بخاری. تحقیق: دیب البغاء، مصطفی. بیروت: دار ابن کثیر. 1414 ق.

6- پاینده، ابوالقاسم (گردآورنده). نهج الفصاحه. تهران: دنیای دانش. بی تا.

7- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. غرر الحکم و درر الکلم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی. 1366 ش.

8- حر عاملی، محمد بن حسن بن علی بن محمد بن حسین. وسائل الشیعه. قم: آل البيت. 1409 ق.

9- حق پرست، مقصود. عدالت اجتماعی در سیره علوی. تهران: مهرآوه عصر. 1386 ش.

10- خميني، سيد روح الله، تحرير الوسيله. چاپ چهارم. قم: اسماعيليان. 1410ق.

11- سيد رضي، ابوالحسن محمد بن حسين موسوي. نهج البلاغه. ترجمه: دشتي، محمد. چاپ سوم. قم: بوستان كتاب. 1386ش.

12- شعيري، تاج الدين محمد بن محمد بن حيدر. جامع الاخبار. قم: آل البيت. 1414ق.

13- صدوق، محمد بن علي بن حسين بن بابويه. من لا يحضره الفقيه. تحقيق: غفاري، علي اكبر. چاپ سوم. قم: جامعه مدرسين. 1413ق.

14- كليني، محمد بن يعقوب. اصول كافي. چاپ چهارم. قم: دارالكتب الاسلاميه. 1365ش.

15- كليني، محمد بن يعقوب. فروع كافي. چاپ چهارم. قم: دارالكتب الاسلاميه. 1365ش.

16- كليني، محمد بن يعقوب. روضه كافي. چاپ چهارم. قم: دارالكتب الاسلاميه. 1365ش.

17- متقي هندي، علاء الدين علي بن حسام الدين. كنز العمال في سنن الاقوال و الافعال. بيروت: الرسالة. 1409ق.

18- محدثي، حسن. دين و حيات اجتماعي. تهران: فرهنگ و اندیشه. 1381ش.

19- محسني گرگاني، احمد. زكات در اسلام. چاپ دوم. قم: پيام مهدي. 1379ش.

20- مصباح يزدي، محمد تقی. اخلاق در قرآن. تحقيق و نگارش: اسكندري، محمد حسين. قم: موسسه آموزشي و پژوهشي امام خميني (ره). 1376ش.

21- موسوي لاري، مجتبي. اسلام و سيماي تمدن غرب. چاپ نهم. قم: دفتر انتشارات اسلامي. 1385ش.

22- ناطقي، محمد تقی. پايه هاي روابط اجتماعي از دیدگاه اسلام. قم: معبود. 1381ش.

23- نوري طبرسي، ميرزا حسين، مستدرک الوسائل، قم: آل البيت، 1408ق.

24- نورمحمدی، غلامرضا. مهارت های زندگی اجتماعی. قم: معارف، 1390ش.

[1] استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان، ir.ac.uk@rostamizadeh . 09132407995

[2] در این مقاله به شکل توصیفی- تحلیلی و به اختصار به الزامات تمدن نوین اسلامی پرداخته شده است.

[3] سوره حشر/ آیه 9 : «وَلَا يُؤْتِرُونَكَ عَلَيْهِمْ أَمْفُؤُهُمْ وَلَا وَكُنْ لَهُمْ خَصْمًا وَلَا مَنَّادًا يَوْمَ تُنْفَسُ النَّفْسُ فَتَأْتِيكَ هُمْ أَلْمُؤْتِرُونَ»

«و دیگران را بر خودشان مقدم می دارند هرچند که خود نیز محتاج باشند و کسانی که از بخل درونی خود جلوگیری می کنند، چنین افرادی رستگارانند» پیرامون این صفات در منابع حدیثی فریقین سفارشات بسیار زیادی از پیامبر (صلي الله عليه و آله) و پیشوایان معصوم می یابیم:

- از پیامبر خدا (صلي الله عليه و آله) پرسیده شد چه کسی محبوب ترین مردم نزد خداوند است؟ حضرت (صلي الله عليه و آله) فرمود: «سودمندترین افراد نسبت به مردم» (بخاری، 1414ق، ج 1، ص 318) و همان ذات پاک (صلي الله عليه و آله) فرمود: «با یاری رسانی به برادرانتان به سوی خداوند متعال نزدیکی بجویید». (کلینی، 1365ش، ج 2، ص 164؛ ابن قتال نیشابوری، بی تا، ج 2، ص 386) - امام صادق (علیه السلام) درباره نیکوکاری و ایثار می فرماید: «حقیقت توکل ایثارورزی است». (نوری طبرسی، 1408ق، ج 2، ص 218، ح 12794) - رسول الله (صلي الله عليه و آله) می فرماید: سرآمد خردمندی پس از دینداری محبت ورزی به مردم و انجام کارهای نیک برای تمام افراد اعم از نیکو کردار و بد کردار است. (حر عاملی، 1409ق، ج 16، ص 295، ح 21586)

[4] سوره آل عمران آیه 28؛ سوره نساء آیات 89، 139، 144؛ سوره مائده آیات 5، 57، 81؛ سوره

[5] کلینی، اصول کافی ج2 ، روایات مربوط به عدم ارتباط با فاسقان ؛ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج16 ، باب تحریم مجالسه اهل المعاصی ؛ نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج8، باب تحریم مصاحبه الکذاب و الفاسق و البخیل و الاحمق و ج 12، باب تحریم مجالسه اهل المعاصی ؛ تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم ، ص 431 ، باب ذم قرین السوء و باب مصاحبه الاشرار و آثارها .

[6] رجوع کنید به کتاب «کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال» نوشته علاء الدین علی بن حسام الدین، باب خمس و زکات و کتاب «زکات در اسلام» نوشته احمد محسنی گرگانی.

[7] سوره حدید آیه 20 ؛ سوره تکوین آیه 1

[8] سوره توبه آیه 34

[9] سوره اعراف آیه 31 ، سوره اسراء آیه 27 ؛ سوره فرقان آیه 67